



ساختار حکمروایی در ایران بر اساس نظریه حکمروایی چندسطحی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵ | تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۳

حمیدرضا صارمی

دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس. saremi@modares.ac.ir

نیما فرهادی منش

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد برنامه ریزی منطقه‌ای، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس. n.farhadimanesht@gmail.com (نویسنده مسئول)

سید مهدی خاتمی

استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس. khatami@modares.ac.ir

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: حکمروایی رویکردی نوین است که از سال ۱۹۷۰ جایگزین مدیریت سنتی شده و پژوهش‌های متعددی را در نقاط مختلف جهان را به خود جذب نموده است. تاکنون گونه‌های مختلفی از این رویکرد در ادبیات حکمروایی در جهان ارائه شده است که یکی از این گونه‌ها، حکمروایی چندسطحی است. در ایران نیز در سال ۱۳۹۶ از این نظریه به منظور ارائه الگویی برای حکمروایی منطقه کلان‌شهری مشهد استفاده شده است. هدف مقاله حاضر استفاده از این نظریه - حکمروایی چند سطحی - به منظور سنجش ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای در است. **روش پژوهش:** روش پژوهش برای دستیابی به هدف پژوهش حاضر، روش کیفی است. در راستای دستیابی به اهداف مقاله ابتدا شاخص‌های نظریه حکمروایی شهری بر اساس روش بازنگری پژوهش استخراج شده، سپس به شناخت ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای ایران بر اساس روش مرور سیستماتیک پرداخته شده و در پایان بر اساس شاخص‌های استخراج شده حکمروایی چندسطحی، وضعیت حکمروایی ایران مورد سنجش قرار گرفته است. **یافته‌های پژوهش:** از میان شش شاخص‌های مورد بررسی، مدیریت شهری و منطقه‌ای ایران در سه شاخص (فضای شبکه‌ای، فضای چندمرکزی قدرت، و محو بودن مرزها) وضعیت نامطلوب، در دو شاخص (فضای مشارکتی و کثرت گرای) وضعیت تا حدی مطلوب، و در یک شاخص (فضای چند بازیگری) وضعیت مطلوبی دارد. **نتایج پژوهش:** نتایج حاصل از بررسی شاخص‌های شش گانه پژوهش، بیانگر وضعیت نامطلوب حکمروایی در ایران از دیدگاه حکمروایی چندسطحی است.

واژگان کلیدی: حکمروایی، مدیریت شهری و منطقه‌ای، حکمروایی چندسطحی، ایران

مقدمه

به جهت دستیابی به اهداف پژوهش، در ابتدا به بررسی ادبیات حکمروایی چندسطحی و سپس ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای ایران پرداخته خواهد شد. بدین منظور، به ترتیب از روش بازنگری پژوهش و مرور سیستماتیک مبتنی بر روش کیفی تحلیل محتوا استفاده شده است. در پایان نیز به سنجش وضعیت حکمروایی در ایران بر اساس الگوی حکمروایی چندسطحی پرداخته خواهد شد تا چشم‌اندازی یکپارچه از حکمروایی ایران به دست آید.

مبانی نظری

مدیریت و حکمروایی

مدیریت شهرها و منطقه‌ها موضوعی است که از دیرباز مرکز توجه پژوهشگران بوده است. تا دهه ۱۹۴۰ میلادی وظیفه مدیریت شهرها و منطقه‌ها تنها به عهده دولت مرکزی بوده اما از آن پس با ورود بازیگران مختلف به این پروسه، نظریات جدیدی برای مدیریت شهرها و منطقه‌ها شروع به شکل‌گیری کردند که در صدر آنها نظریه حکمروایی قرار دارد. در سال‌های اخیر نیز حکمروایی به واژه‌ای پرکاربرد در ادبیات فلسفه و اندیشه سیاسی تبدیل شده است؛ به طوری که در متون دانشگاهی گذشته واژه حکومت به کار می‌رفته، اما امروزه واژه حکمروایی جانشین آن شده است (شریف زادگان، فتحی، و ملک‌پور، ۱۳۹۴، ۱۹). حکمروایی، پیامد انتقال پارادایم از حکمرانی به معنی اداره جامعه از بالا به پایین به دست دولت و نهادهای اداری، به حکمروایی به معنی اداره جامعه به دست مردم، نهادها، فرایندها و از پایین به بالا و فراتر از مدیریت دولت است (شریف زادگان، فتحی، و ملک‌پور، ۱۳۹۴، ۱۱).

حکمروایی چندسطحی^۱

حکمروایی چند سطحی نظریه‌ای است که برای توضیح نحوه عملکرد اتحادیه اروپا ارائه شده است (استفنسون، ۲۰۱۳، ۸۱۷). از زمان ارائه نظریه حکمروایی چندسطحی در سال ۱۹۹۲ تاکنون، تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است. پژوهشگران مختلف، با وجود توافق کلی بر سر مفهوم حکمروایی چند سطحی، تفاسیر متفاوتی از آن دارند (استفنسون، ۲۰۱۳، ۸۱۸). به طور کلی حکمروایی چندسطحی دلالت بر ترتیباتی برای تصمیم‌سازی پیوسته بین بازیگران در سطوح متعدد سرزمینی دارد. بازیگران حاضر در این گونه، همواره برای تصمیم‌سازی‌ها همواره در حال مذاکره، بحث و مشورت،

ارائه رویکرد حکمروایی و گسترش آن از سال‌های ۱۹۷۰ میلادی منجر به توسعه روزافزون استفاده از این رویکرد در مدیریت شهرها و منطقه‌ها در کشورهای مختلف از جمله ایران گردیده است. با توجه به تنوع نتایج مختلف بدست آمده در مطالعات این حوزه (بوزولت، ون‌مانفورت، و بوتلیر، ۲۰۱۷، ۳۵۸؛ واهدوزامان و ون‌گرمبرگ، ۲۰۱۷، ۱؛ چپل و مونترو، ۲۰۱۶؛ نرس، ۲۰۱۵، ۷۵)، استفاده از این رویکرد در هر محدوده مطالعاتی، نیازمند مطالعه بر اساس شرایط زمینه به نحوی که بتوان به دیدگاهی یکپارچه در حکمروایی دست یافت، می‌باشد. با مطالعه تحقیقات صورت گرفته در زمینه حکمروایی در ایران، این نکته قابل تشخیص است که عمده تمرکز این تحقیقات بر حکمروایی شهری بوده و به حکمروایی در سایر مقیاس‌ها خصوصاً سطوح کلان‌تر کمتر توجه گردیده است. به علاوه به گونه‌های مختلف حکمروایی نیز توجه کمتری شده و بیشتر تمرکز این تحقیقات بر استفاده از حکمروایی خوب می‌باشد. همچنین در میان این پژوهش‌ها، عمدتاً حکمروایی در هر یک از مقیاس‌ها به صورت مجزا، بدون در نظر گرفتن همکاری میان سطوح مختلف و رویکردی یکپارچه مورد بررسی قرار گرفته است، این در حالیست که سنجشی یکپارچه از وضعیت حکمروایی در کشور می‌تواند کمک شایانی به رفع مشکلات موجود نظیر تفرق سیاسی و مدیریت ناکارآمد (شریف‌زادگان و شمس‌کوشکی، ۱۳۹۲، ۲۷۳) نماید چرا که سیستم مدیریت و حکمروایی کشور سیستمی یکپارچه متشکل از کلیه سطوح شهری و روستایی تا سطوح کلان‌تر و کشوری است. بنابراین ارائه سنجشی یکپارچه از وضعیت حکمروایی ایران امری ضروری است.

برای دستیابی به چنین چشم‌اندازی یکپارچه از حکمروایی، انتخاب گونه‌ای مناسب از انواع متعدد موجود حکمروایی از اهمیت فراوانی برخوردار است. یکی از این انواع، حکمروایی چندسطحی بوده که در پژوهش حاضر از آن استفاده شده است. همچنین سنجش حکمروایی در ایران نیازمند بررسی ساختار حال حاضر مدیریت شهری و منطقه‌ای ایران نیز می‌باشد. بنابراین اهداف مد نظر پژوهش در این راستا به شرح زیر می‌باشد:

۱) شناسایی الگوی حکمروایی چندسطحی

۲) شناسایی ساختار حاکم بر مدیریت شهری و منطقه‌ای ایران
۳) سنجش وضعیت حکمروایی در ایران بر اساس الگوی حکمروایی چندسطحی

حکمروایی است. به عبارت دیگر حکمروایی چندسطحی توانست تا اثرگذاری تمامی بازیگران دخیل در پروسه حکمروایی به را خوبی مشخص نماید.

۲) کثرت گرا بودن^۴ (وستمن، بروتو، و هانگ، ۲۰۱۹، ۱۴؛ روفین، ۲۰۲۰، ۲): در حکمروایی چندسطحی، برخلاف نظریات پیشین آن، بازیگران دخیل در پروسه حکمروایی تنها شامل بازیگران دولتی نبوده و بازیگران سایر بخش‌ها نظیر بخش خصوصی، عمومی و غیره نیز در پروسه حکمروایی دخیل هستند.

۳) محو بودن مرزهای بین بازیگران و کاهش سلسله مراتب (مارکس و همکاران، ۱۹۹۶، ۱۶۷؛ پیاتونی، ۲۰۰۹، ۱۷۵): یکی از ویژگی‌های اصلی حکمروایی چندسطحی، کاهش اهمیت مرزهای قانونی میان بازیگران مختلف است. این ویژگی حکمروایی چندسطحی در حکمروایی چندسطحی نوع دوم مشهودتر است. بر اساس این ویژگی بازیگران مختلف علاوه بر عمل در حوزه مشخص خود، فراتر از مرزهای رسمی خود در سطوح عمودی و افقی نیز عمل نموده، و با یکدیگر در ارتباط هستند. همچنین این بازیگران علاوه بر ارتباط با سطوح بالادست و پایین دست مستقیم خود، با سطوح بالادست و پایین دست غیر مستقیم خود نیز در ارتباط هستند. به عنوان نمونه از میان بازیگران سه سطح فراملی، ملی، و فروملی، بازیگران فروملی می‌توانند بدون واسطه بازیگران ملی، به طور مستقیم با بازیگران فراملی در ارتباط باشند. بنابراین سلسله‌مراتب در حکمروایی چندسطحی بسیار کمرنگ شده و بازیگران می‌توانند با استقلال بیشتری از سطوح بالادست خود عمل نمایند.

۴) فضای چند مرکزی قدرت (وستمن، بروتو، و هانگ، ۲۰۱۹، ۱۴؛ استفنسون، ۲۰۱۳، ۸۲۸): بر اساس این ویژگی، حکمروایی چندسطحی قدرت را میان تمامی نهادهای جدید و قدیمی متصل به یکدیگر در همه بخش‌های دولتی عمومی، خصوصی، و مردمی در سطوح مختلف، پراکنده و بازتوزیع می‌کند. بنابراین فضای حکمروایی چندسطحی فضایی چند مرکزی قدرت خواهد بود.

۵) فضای چند سطحی^۵ و شبکه‌ای (کونزلمن، ۱۹۹۵، ۱۴۵): اصلی‌ترین ویژگی این نظریه، وجود چندین سطح در پروسه حکمروایی است. در سال‌های ابتدایی ارائه این نظریه، مقصود از چند سطح، تنها سطوح عمودی بوده، اما با گسترش این نظریه و بهبود آن، در

اجرا با یکدیگر هستند، به طوری که هیچ یک از آنها دارای صلاحیت سیاسی خاص نبوده و یا سلسله مراتب مشخصی در هیچ سطحی وجود نداشته باشد (اشمیتز و کیم، ۲۰۰۵، ۵). این بازیگران دارای روابط پیچیده‌ای با یکدیگر بوده و دائماً از طریق همکاری و مذاکره در حال بازتعریف این روابط متقابل می‌باشند (سابل و زیتلین، ۲۰۰۷، ۱۱). به طور خلاصه حکمروایی چندسطحی به مکانیسم‌های حکمروایی در محیطی با بازیگران دارای مرزهای مجزا اما رو به اتصال با یکدیگر دلالت دارد. این بازیگران شامل تمامی بخش‌های عمومی، خصوصی، و مردمی می‌باشند (وستمن، بروتو، و هانگ، ۲۰۱۹، ۱۹).

انواع حکمروایی چندسطحی

در سال ۲۰۰۳ برای اولین بار، مارکس و هوگ در مقاله خود، دو نوع از حکمروایی چندسطحی را از یکدیگر متمایز نمودند (مارکس و هوگ، ۲۰۰۳، ۲۳۸). نوع اول حکمروایی چند سطحی گویای سیستمی مشابه سیستم سنتی فدرال است. در این نوع تعداد محدودی از سطوح دولتی دارای مرزهای مشخص در پروسه حکمروایی چندسطحی عمل می‌کنند (پیاتونی، ۲۰۰۹، ۱۷۱). این نوع از حکمروایی چندسطحی، نوع غالب‌تر آن است (اسکلچر، ۲۰۰۵، ۹۴).

در کنار نوع اول و همزمان با آن حکمروایی چند سطحی نوع دوم وجود دارد. این گونه، سیستمی است که در آن مرزها از بین رفته و مقامات فراتر از مرزهای خود در پروسه حکمروایی عمل می‌کنند (اسکلچر، ۲۰۰۵، ۹۵). این نوع از حکمروایی به طور رسمی وجود نداشته و زمانی به وجود می‌آید که مرزهای رسمی موجود با یکدیگر هم‌پوشانی داشته و در نتیجه، مقامات در همان سطح یا سطوح بالایی و پایینی مرزهای خود را شکسته و فراتر از آن‌ها عمل می‌کنند تا در نتیجه اثربخشی خود را افزایش دهند (اسکلچر، ۲۰۰۵، ۹۶).

ویژگی‌های حکمروایی چندسطحی

همانند وجود توافق بر سر مفهوم حکمروایی چندسطحی ویژگی‌های حکمروایی چندسطحی نیز مورد توافق محققین این حوزه است. این ویژگی‌ها عبارتند از: ۱) تمرکز بر بازیگران^۲ و فضای چند بازیگری^۳ (وستمن، بروتو، و هانگ، ۲۰۱۹، ۱۴): یکی از ویژگی‌های اصلی حکمروایی چندسطحی، تمرکز بر بازیگران متعدد به جای تمرکز صرف بر دولت مرکزی به عنوان تنها بازیگر و استفاده از این مفهوم برای تفسیر پروسه

روش پژوهش

منطق پژوهش حاضر، منطق استفاده و مبتنی بر روش کیفی می باشد. روش مورد استفاده جهت بررسی ادبیات حکمروایی چندسطحی روش بازنگری پژوهش، و روش مورد استفاده برای شناخت ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای ایران، روش مرور سیستماتیک است. منابع مورد استفاده در این پژوهش از منابع دست دوم و دست سوم هستند. این منابع به شرح زیر هستند.

منابع دست دوم: منابع دست دوم شامل کلیه قوانین موجود در زمینه مدیریت شهرها و منطقه‌ها در ایران است که از منابع قانون کشور شامل قانون اساسی، مصوبات مجلس، و کلیه مصوبات، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به مدیریت شهرها و منطقه‌ها در ایران (برای مثال برنامه‌های پنج ساله توسعه، مصوبات هیات دولت، قوانین شهرداری‌ها و غیره) استخراج شدند.

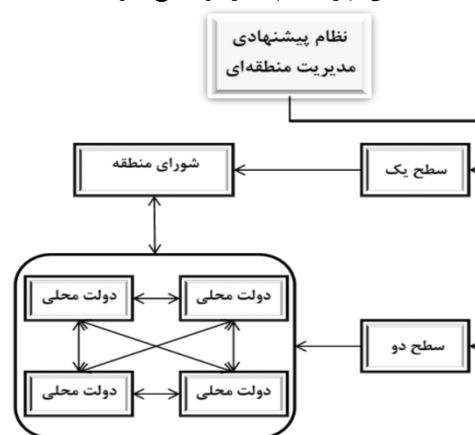
منابع دست سوم: منابع دست سوم پژوهش از کلیه مقالات علمی-پژوهشی فارسی در زمینه حکمروایی شهری، روستایی، و منطقه‌ای در ایران استخراج گردیده‌اند. بدین منظور در ابتدا اقدام به تشکیل پایگاه داده‌ای (متشکل از کلیه مقالات مرتبط با هدف پژوهش یعنی بررسی ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای ایران) بر اساس روش مرور سیستماتیک گردید. این روش خود شامل چهار گام مجزا است. در گام اول به منظور استخراج کلیه مقالات مرتبط با هدف پژوهش پایگاه‌های داده اس‌آی‌دی^۷ و نورمگز^۸ مورد بررسی قرار گرفتند. کلید واژه جستجو، عبارت "حکمروایی" در بخش عنوان و کلمات کلیدی مقالات بوده است. در گام دوم با مطالعه بخش‌های چکیده، مورد مطالعه، و نتیجه‌گیری هر یک از مقالات استخراج شده اقدام به حذف مقالات نامرتب با هدف پژوهش گردید. این گام به اختصار غربال اولیه نام‌گذاری شده است. در گام سوم با مطالعه کامل مقالات بدست آمده در مرحله غربال اولیه، مقالات احتمالی نامرتب با هدف پژوهش نیز حذف شدند. این گام به اختصار غربال ثانویه نام‌گذاری شده است. در گام چهارم، همزمان با مطالعه کامل مقالات بدست آمده، در صورت مشاهده منابع مرتبط با هدف پژوهش در هر یک از مقاله‌ها، این مقالات نیز به پایگاه داده‌ای افزوده شدند تا خطای احتمالی حذف مقالات در گام اولیه به حداقل رسد.^۸

حال حاضر مقصود از چند سطح علاوه بر سطوح عمودی متعدد، سطوح افقی نیز است. این سطوح در همه جهات با یکدیگر هم‌پوشانی داشته و به شکل شبکه‌ای از ترتیبات حکمروایی نمود پیدا می‌کنند (پیاتونی، ۲۰۰۹، ۱۶۷).

۶) فضایی پیوسته، همکارانه و مشارکتی (بیشیم، کمپ، و شافرهوف، ۲۰۱۰، ۳۷۰؛ وستمن، بروتو، و هانگ، ۲۰۱۹، ۱۵): بر اساس این ویژگی، در پروسه حکمروایی چندسطحی، تمامی بازیگران دخیل، همواره با یکدیگر در حال همکاری و مشارکت برای تصمیم‌سازی و دستیابی به صلاح جمعی هستند. در حکمروایی چندسطحی، بازیگران در فضایی پیوسته و متصل به یکدیگر اقدام به عمل می‌کنند.

تجارب حکمروایی چندسطحی در ایران

مطالعه انجام شده در حوزه حکمروایی چندسطحی در ایران، مقاله‌ای تحت عنوان "حکمروایی چندسطحی منطقه کلان‌شهری در راستای رویکرد نومنطقه‌گرایی" توسط مظفر صرافی و ناصر نجاتی است (صرافی و نجاتی، ۱۳۹۶). مفهوم برگرفته شده از حکمروایی چند سطحی در این مقاله بر دو ویژگی این نظریه استوار است. ویژگی اول آن مبتنی بر بازتوزیع قدرت و ویژگی دوم چندسطحی بودن حکمروایی است. در واقع نظر نویسندگان در مورد حکمروایی چندسطحی، وجود چند سطح عمودی از حکمروایی بوده که قدرت در این سطوح تا حد امکان به سطوح پایین دست تفویض شده باشد. نویسندگان در پایان این مقاله بر اساس نظریه حکمروایی چندسطحی، اقدام به ارائه نظام پیشنهادی مدیریت منطقه-ای منطقه کلان‌شهری مشهد در دو سطح نمودند.



شکل ۱: نظام پیشنهادی مدیریت منطقه‌ای

(صرافی و نجاتی، ۱۳۹۶، ۳۹)

جدول ۱: نتایج تشکیل پایگاه داده

پایگاه داده	کلید واژه	بخش‌های مورد جستجو	تعداد مقالات در مرحله جستجو	تعداد مقالات پس از غربال اولیه	تعداد مقالات پس از غربال ثانویه	تعداد نهایی مقالات
SID	حکمروایی	عنوان و کلمات کلیدی	۶۸	۲۵	۲۰	۲۰
Noormags	حکمروایی	عنوان و کلمات کلیدی	۱۰۹	۳۱	۱۷	۱۷
سایر ^۹	-	-	۲۰	۱۱	۱۰	۱۰
جمع کل	-	-	۱۹۷	۶۷	۴۷	۴۷

(نگارندگان، ۱۴۰۰)

جدول ۲: نتایج جستجو برای تشکیل پایگاه داده‌ای برای بررسی مدیریت شهری و منطقه‌ای در ایران

ردیف	عنوان	گردآورندگان	سال
۱	آسیب شناسی توزیع قدرت سیاسی در کلانشهر تهران با تاکید بر حکمروایی شهری	پیشگاهی فرد و دیگران	۱۳۹۲
۲	آسیب شناسی موانع تحقق حکمروایی خوب شهری در شهرهای میانی - مطالعه موردی: شهر نیشابور	طالبی، رهنمایی، و قربانی نژاد	۱۳۹۹
۳	آسیب شناسی ساختاری مدیریت توسعه شهری تهران با تاکید بر مناسب سازی فضاهای شهری برای معلولان	کمانرودی کجوری	۱۳۸۹
۴	اثرات حکمروایی خوب بر زیست پذیری سکونتگاه های پیراشهری در دهستان آدران	مومنی، جهانشیری، و عزمی	۱۳۹۹
۵	ارزیابی کارایی پیشنهادی میز خدمت در مدیریت کلانشهرها از منظر حکمروایی خوب شهری (نمونه پژوهی: کلانشهری تهران)	طلا، محمود زاده، و زیاری	۱۴۰۰
۶	ارائه الگویی به منظور شناسایی عوامل بسترساز موفقیت دهیاری ها؛ مطالعه موردی: دهیاری های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه	مرادی، و پاپزین	۱۳۹۱
۷	ارزیابی عملکرد مدیریت ناحیه محوری بر کارآمدی حکمروایی مطلوب شهری؛ مطالعه موردی منطقه ۴ شهر تهران	نصیری	۱۳۹۴
۸	ارزیابی الگوی مدیریت محله مبتنی بر شاخص های حکمروایی مطلوب شهری؛ مطالعه موردی: محله اوین تهران	مشکینی، پور موسوی، و مودن	۱۳۹۲
۹	ارزیابی و تحلیل مدیریت شهری با تاکید بر شاخص های حکمروایی مطلوب شهری؛ مطالعه موردی: شهر خرم آباد	سرای و دیگران	۱۳۹۳
۱۰	بایستگی های ساختاری احراز مدیریت کارآمد در مناطق کلان شهری ایران در چارچوب رهیافت نومنطقه گرایی	علیان و دیگران	۱۳۹۷
۱۱	بررسی تحولات مدیریت روستایی در ایران از مشروطیت تا زمان حاضر	جاجرمی و عبداللهی	۱۳۸۸
۱۲	برنامه ریزی فضایی راهبردی برای حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در منطقه کلانشهری تهران	شریفزادگان و شمس کوشکی	۱۳۹۳
۱۳	تبیین جایگاه حکمروایی یکپارچه کلانشهری از منظر امنیت انسانی	کریمی	۱۳۹۹
۱۴	تبیین سناریوهای مشارکت جوانه و دموکراتیک نهادی در ساختار نظام حکمروایی منطقه کلانشهری تهران	صیامی، و وکیلی	۱۳۹۵
۱۵	تبیین عوامل موثر بر حکمروایی روستایی در حکومت های محلی؛ مطالعه موردی: شهرستان قزوین	دربان‌آستانه، و رضوانی	۱۳۹۰
۱۶	تبیین مدیریت نسل نخست شهرهای جدید ایران با رویکرد حکمروایی خوب شهری از منظر تقسیمات کشوری	مروی، اقبالی و خاتمی نژاد	۱۳۹۹
۱۷	تحلیل جایگاه حکمروایی شایسته شهری و برنامه ریزی راهبردی آن - شهر بیرجند	یغفوری، اسکندری‌ثانی، و ارشد	۱۳۹۵
۱۸	تحلیل ظرفیت نهادی مدیریت محلی جهت حکمروایی خوب زمین شهری در ایران	مشکینی، پذیرا، و رحمتی	۱۴۰۰
۱۹	تحلیل جایگاه حکمروایی خوب شهری در مشهد با الگوی سوات	رهنما، مافی، و اسدی	۱۳۸۹
۲۰	تحلیلی بر کارایی شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها در چارچوب مولفه‌های حکمروایی خوب روستایی - مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان ممسنی	نژاد خوب	۱۴۰۰
۲۱	تحلیل جایگاه مدیریت روستایی مبتنی بر رویکرد حکمروایی خوب در توسعه پایدار روستایی؛ مطالعه موردی: بخش مرکزی کوه‌دشت و بخش لوسانات شمیرانات	رحمانی فضلی و دیگران	۱۳۹۶
۲۲	تحلیل ساختاری حاکمیت ملی و مدیریت محلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتو رویکرد حکمروایی شایسته شهری	پوچانی و دیگران	۱۳۹۶
۲۳	تحلیل موانع نهادی آینده حکمروایی توسعه پایدار کلانشهر تهران	ربانی و دیگران	۱۳۹۷
۲۴	تحلیلی بر تاثیر حکمروایی خوب در بهبود کیفیت زندگی روستایی؛ مطالعه موردی: شهرستان دهلگان	قادرمرزی و دیگران	۱۳۹۷
۲۵	تحلیلی بر همبستگی بین الگوی حکمروایی شایسته شهری و میزان مشارکت شهروندی؛ مطالعه موردی شهر شیراز	حاجی علی زاده، موسوی، و زرافشان	۱۳۹۵
۲۶	توانمندسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی با تاکید بر شاخص‌های حکمروایی خوب شهری - مطالعه موردی: محلات غیر رسمی شهر ایلام	ملکی، و موسوی	۱۴۰۰
۲۷	جایگاه حکمروایی خوب برنامه ریزی شهری طرح متروی تهران	اسماعیل‌زاده، و صرافی	۱۳۸۵
۲۸	جایگاه حکمروایی مطلوب شهری در کاهش میزان جدایی‌گزینی فضایی؛ مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز	پیری	۱۳۹۵
۲۹	حاکمیت شهر منطقه تهران - چالش‌ها و روندها	آخوندی و دیگران	۱۳۸۶
۳۰	حکمروایی خوب: نهادسازی برای توسعه، آموزه‌هایی از سطح ملی تا شهری و تجربیاتی از ایران	شریفزادگان، فتحی، و ملک‌پور اصل	۱۳۹۴
۳۱	حکمروایی شایسته مبتنی بر سرمایه اجتماعی در مدیریت روستایی در شهرستان جویبار	شریفزاده و دیگران	۱۳۹۶

ردیف	عنوان	گردآوردنگان	سال
۳۲	حکمروایی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه	لاله‌پور	۱۳۸۶
۳۳	حکمروایی مطلوب شهری بر بنیان سرمایه اجتماعی: آزمون نظم نهادی ارتباطی و فاعلیتمندی غیر اقتصادی؛ مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز	پورمحمدی، حسین‌زاده دلیر، و پیری	۱۳۸۹
۳۴	راهبردهای استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلاتشهری تهران	آخوندی، و برک‌پور	۱۳۸۹
۳۵	رویکرد حکمروایی شهری و ضرورت آن در مدیریت منطقه کلان‌شهری تهران	پرهیزکار، و کاظمیان	۱۳۸۴
۳۶	سنجش توزیع فضایی خدمات عمومی شهر کرمان با تاکید بر حکمروایی خوب شهری با استفاده از نرم افزار Geoda	محمدی نیا، خدابخش، و محمدی زاده	۱۳۹۹
۳۷	طراحی چشم انداز و بیانیه ماموریت در مناطق کلان‌شهری مبتنی بر رویکرد حکمروایی قلمرویی فضایی؛ مطالعه موردی: منطقه کلان‌شهری مشهد	صیامی	۱۳۹۴
۳۸	گزیده‌ای از قوانین و مقررات شهرسازی ۱۳۹۳	تقی‌زاده	۱۳۹۳
۳۹	فرصت‌ها و چالش‌های حکمروایی کلاتشهری خوب در عصر جهانی شدن؛ مطالعه موردی تهران	بصیرت و دیگران	۱۳۹۱
۴۰	قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری	منصور	۱۳۹۶
۴۱	قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه	-	۱۳۹۵
۴۲	قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه	-	۱۳۸۹
۴۳	مدیریت مناطق کلان شهری؛ شناخت و تحلیل نظام موجود مدیریت مجموعه‌های شهری کشور	عسگری و کاظمیان	۱۳۸۵
۴۴	مطالعه تطبیقی مدیریت روستایی ایران و چین با رویکرد حکمروایی	بدری و دیگران	۱۳۹۰
۴۵	واکاوی نقش طرح‌های ساختاری راهبردی در تحقق انگاره حکمروایی خوب شهری (مطالعه موردی منطقه ۲۲ شهر تهران)	عزیزی، درس‌خوان، و پور محمدی	۱۳۹۹
۴۶	نقش آفرینی شورای شهر در مدیریت شهری	فنی، و نورمحمدی	۱۳۹۰
۴۷	نقش مدیریت شهری در موفقیت رویکرد راهبرد توسعه شهری CDS؛ مورد: شهر قزوین	هاشمی، رضویان، و سجادی	۱۳۹۶

(نگارندگان، ۱۴۰۰)

سطوح در نظریه حکمروایی چندسطحی، سطوح کشوری را نیز تحلیل نمود. در گام سوم جملات و عبارات هر دسته در قالب دسته‌بندی شامل بازیگران بخش دولتی، خصوصی، عمومی، مردمی، و غیررسمی مجدد دسته‌بندی شدند. این پنج دسته زیرمقوله‌های پژوهش هستند. در گام چهارم هر یک از زیرمقوله‌ها توسط پژوهشگر مطالعه شده و پس از کنارهم قرار دادن مفاهیم برداشت شده از آنها، نتایج به صورت توصیفی در قالب متن ارائه شدند. نتایج روش تحلیل محتوا مطابق جدول شماره ۳ است.

جهت تحلیل هر یک از منابع دست دوم و سوم، از روش تحلیل محتوا کیفی استفاده شده است. بدین منظور در گام اول، منابع بدست آمده به طور کامل مطالعه شده و واحدهای تحلیل در قالب جملات و عبارات مرتبط با ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای ایران استخراج گردیدند. در گام دوم واحدهای تحلیل در سه دسته سطح محلی، منطقه‌ای، و کشوری دسته‌بندی شدند. این سه سطح، تشکیل دهنده مقوله‌های پژوهش هستند. علت انتخاب سه سطح، مبانی نظری حکمروایی چندسطحی است تا بتوان در هنگام تحلیل، مطابق

جدول ۳: نتایج روش تحلیل محتوا

گام اول: واحدهای تحلیل		
۱۲۲۵ عبارت از متن منابع داده استخراج شد		
گام دوم: مقوله‌ها		
سطح محلی: ۵۲۷ عبارت	سطح منطقه‌ای: ۵۵۲ عبارت	سطح کشوری: ۱۴۴ عبارت
گام سوم: زیر مقوله‌ها		
بخش دولتی: ۵۱ عبارت	بخش عمومی: ۱۹۸ عبارت	بخش خصوصی: ۶۴ عبارت
بخش مردمی: ۱۲۴ عبارت	بخش غیر رسمی: ۴۰ عبارت	بخش دولتی: ۲۴۳ عبارت
بخش عمومی: ۱۵۴ عبارت	بخش خصوصی: ۱۵ عبارت	بخش مردمی: ۱ عبارت
بخش غیر رسمی: ۸۹ عبارت	بخش دولتی: ۳۹ عبارت	بخش عمومی: ۴۷ عبارت
بخش خصوصی: ۱۳ عبارت	بخش مردمی: ۳۳ عبارت	بخش غیر رسمی: ۱۴ عبارت

(نگارندگان، ۱۴۰۰)

در پایان ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای ایران بر اساس شاخص‌های حکمروایی چندسطحی مورد سنجش قرار گرفتند. سنجش بر اساس روش کیفی، بر اساس توصیف حاصل از روش تحلیل محتوای کیفی، و در پنج مقیاس بسیار مطلوب، مطلوب، تا حدی مطلوب، نامطلوب، بسیار نامطلوب، می‌باشد.

تجزیه و تحلیل منابع

برای بررسی ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای در ایران ابتدا به بررسی ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای در سه سطح محلی، منطقه‌ای، و کشوری پرداخته شده است. در ابتدا در هر سطح، ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای آن ارائه شده است و سپس، با ارائه جمع‌بندی از ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای در این سه سطح، ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای در ایران بدست خواهد آمد.

سطح محلی

سطح محلی شامل ساختار مدیریت در کلیه سطوح شهری یا روستایی است. این سطح کوچک‌ترین مقیاس مورد مطالعه در پژوهش حاضر است. سطح محلی خود بر اساس تقسیمات کشوری به دو بخش شهری و روستایی تقسیم شده است.

در مدیریت شهری از هر پنج بخش دولتی، خصوصی، عمومی، مردمی و غیررسمی بازیگرانی حضور دارند. اصلی‌ترین بازیگران در مدیریت شهری بازیگران بخش عمومی هستند. به طور کلی بخش عمده‌ای از مدیریت شهر به عهده شهردار و شورای اسلامی شهر است. بازیگران بخش دولتی و غیررسمی در رتبه دوم اثرگذاری قرار دارند. بازیگران بخش دولتی عمدتاً شامل سازمان‌های خدمات‌رسان با وظیفه خدمات‌رسانی در سطح شهرها بوده که این امر از نقش آن‌ها در مدیریت شهری کاسته است. بازیگران بخش خصوصی و مردمی، از کمترین نقش در مدیریت شهری برخوردارند. نکته حاضر اهمیت در اینجا حضور بازیگران از همه بخش‌های علی‌رغم نقش‌های متفاوت آن‌ها است. از منظر روابط بین بازیگران بخش عمومی با سایر بخش‌ها، قوی‌ترین رابطه میان بازیگران بخش عمومی با بخش‌های دولتی و غیررسمی است. این روابط عمدتاً به صورت دوطرفه میان بازیگران بخش‌های یاد شده است. بخش عمومی با دو بخش خصوصی و مردمی رابطه ضعیفی دارد. رابطه موجود میان این دو بخش به صورت یک‌طرفه از بخش

خصوصی و مردمی به بخش دولتی است. این بدین معناست که بیشترین تلاش برای برقراری ارتباط میان این سه، توسط دو بخش مردمی و خصوصی انجام می‌گیرد. روابط بازیگران بخش دولتی با بخش غیررسمی متوسط است. این رابطه به صورت دو طرفه می‌باشد. بازیگران بخش دولتی دارای رابطه ضعیفی با بازیگران بخش مردمی و خصوصی هستند. این رابطه نیز به صورت یک‌طرفه از دو بخش مردمی و خصوصی به بخش دولتی است. بازیگران بخش غیر رسمی دارای رابطه‌ای متوسط با بازیگران بخش خصوصی و مردمی هستند. این رابطه به صورت دوطرفه است. بازیگران بخش مردمی نیز دارای رابطه‌ای دوطرفه و متوسط با بازیگران بخش خصوصی هستند. کلیه روابط یاد شده از نوع روابط افقی می‌باشند.

در پروسه مدیریت روستایی، از کلیه پنج بخش دولتی، خصوصی، عمومی، مردمی و غیر رسمی بازیگرانی حاضر هستند. از میان این بازیگران، بازیگران سه بخش عمومی، مردمی، و غیر رسمی دارای نقش پراهمیتی در مدیریت روستایی می‌باشند. در اینجا علی‌رغم مشارکت مردم در انتخاب اعضای شورای اسلامی روستا، همچنان شاهد مشارکت بالای آن‌ها در مدیریت روستایی هستیم. بازیگران بخش خصوصی و دولتی نیز دارای نقش میانه‌ای در مدیریت روستایی هستند. بنابراین می‌توان گفت کلیه بازیگران هر پنج بخش، به میزان قابل قبولی در مدیریت روستایی دخیل بوده و ایفای نقش می‌کنند. از منظر روابط، بخش عمومی دارای رابطه قوی با سه بخش مردمی، دولتی، و غیررسمی است. این رابطه از نوع دو طرفه می‌باشد. بخش عمومی دارای رابطه متوسطی با بخش خصوصی بوده اما این رابطه عمدتاً یک‌طرفه و از سوی بخش خصوصی برقرار می‌شود. بخش دولتی با دو بخش مردمی و غیررسمی دارای رابطه ضعیفی است. رابطه بخش دولتی با غیررسمی به صورت دو طرفه و با دو بخش خصوصی و مردمی به صورت یک طرفه از سوی این دو بخش است. بخش غیررسمی با بخش مردمی دارای رابطه قوی دوطرفه، و با بخش خصوصی دارای رابطه متوسط دو طرفه است. بخش خصوصی دارای رابطه دوطرفه قوی با بازیگران بخش مردمی است. به طور کلی بیشترین روابط افقی میان بازیگران حاضر در مدیریت روستایی برقرار است.

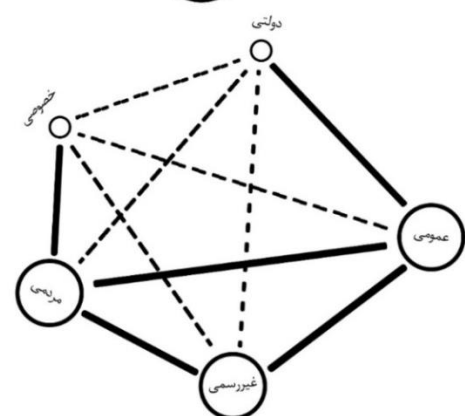
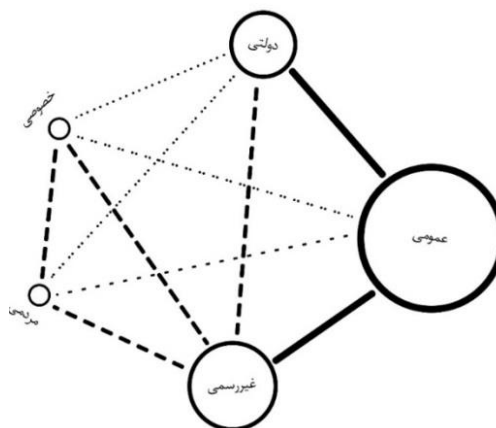
بر این امر، اندازه و جمعیت شهرهاست. در سطح محلی، بیشترین رابطه مربوط به بازیگران یک روستا با بازیگران روستای دیگر است که این رابطه قوی و از نوع دو طرفه بوده و عامل اجتماعی تاثیر بسزایی در این امر دارد. رابطه میان بازیگران دو شهر از نوع متوسط و عمدتاً از سوی شهر کوچک به شهر بزرگتر است. میان بازیگران مدیریت محلی در دو سطح شهر و روستا رابطه بسیار ضعیفی از نوع یک طرفه از بازیگران روستا به بازیگران شهر، برقرار است. کلیه این روابط از نوع روابط افقی در نظر گرفته می‌شوند.

سطح منطقه‌ای

سطح منطقه‌ای شامل ساختار مدیریت در سطح بخش، شهرستان و استان است. این سه سطح بر اساس تقسیمات رسمی کشوری در نظر گرفته شده‌اند. ساختار هر یک از این سطوح به شرح زیر است.

در پروسه مدیریت بخش از هر پنج بخش دولتی، خصوصی، عمومی، مردمی و غیررسمی، بازیگرانی حضور دارند. بیشترین اثرگذاری در میان این بازیگران مربوط به بازیگران بخش دولتی و غیر رسمی است. در مرتبه دوم نیز بازیگران بخش عمومی با اثرگذاری متوسط در مدیریت بخش قرار دارند. بازیگران بخش مردمی و خصوصی کم‌اثرترین بازیگران در مدیریت بخش هستند.

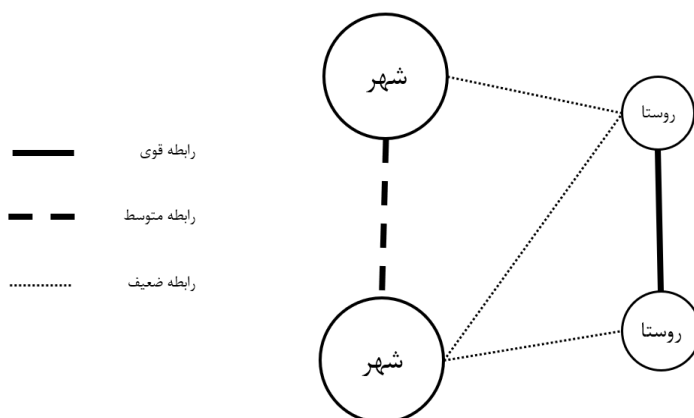
از نظر روابط، قوی‌ترین رابطه میان بازیگران بخش دولتی و غیررسمی برقرار است. این رابطه به صورت دوطرفه است. رابطه بازیگران بخش دولتی با بخش عمومی متوسط و از نوع رابطه دوطرفه است. بازیگران بخش



شکل ۲ ساختار مدیریت شهر (بالا) و روستا (پایین)، بازیگران و روابط بین آن‌ها (نگارندگان، ۱۴۰۰)

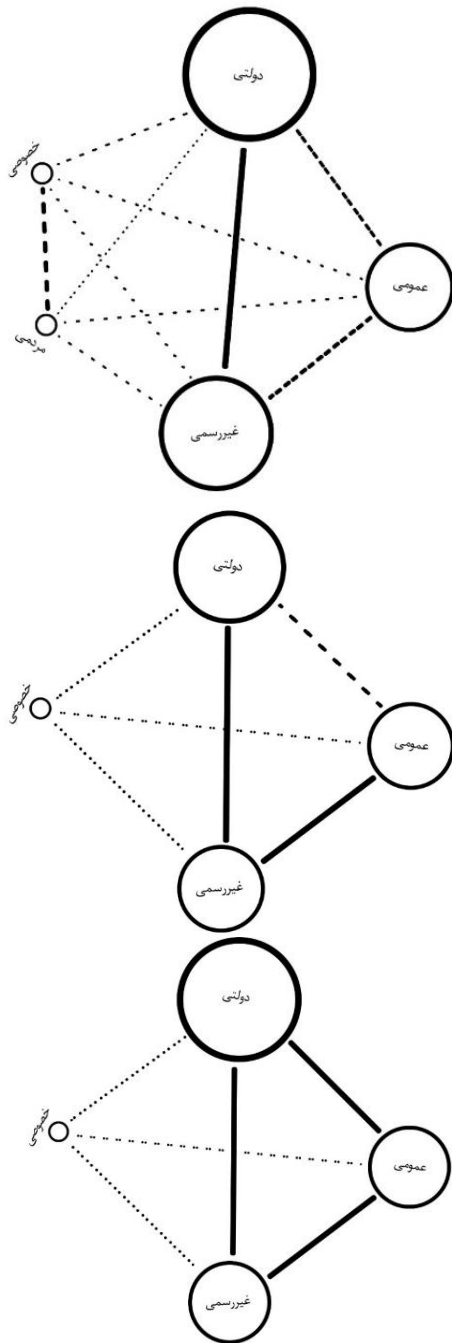
ساختار مدیریت سطح محلی

در این سطح از کلیه پنج بخش دولتی، عمومی، مردمی، خصوصی، و غیررسمی بازیگرانی حضور دارند. بیشترین نقش از میان بازیگران دو سطح شهر و روستا، مربوط به بازیگران بخش شهری است. از عوامل اثرگذار



شکل ۳: ساختار مدیریت سطح محلی و روابط بین شهر و روستا در آن (نگارندگان، ۱۴۰۰)

باشد. رابطه بخش غیررسمی با بخش خصوصی رابطه ضعیف اما از نوع دو طرفه است.



شکل ۴ ساختار مدیریت بخش (بالا، شهرستان (وسط)، استان (پایین)، بازیگران و روابط بین آنها (نگارندگان، ۱۴۰۰)

ساختار مدیریت سطح منطقه ای

بازیگران حاضر در پروسه مدیریت سطح منطقه‌ای، به جز در سطح بخش با حضور بازیگران هر پنج بخش، شامل بازیگران بخش دولتی، عمومی، غیررسمی

دولتی دارای رابطه ضعیف با دو بازیگران بخش خصوصی و مردمی هستند این رابطه به صورت یک‌طرفه از بخش‌های خصوصی و مردمی به بخش دولتی است. بازیگران بخش عمومی دارای رابطه متوسطی با بخش غیررسمی هستند. این رابطه از نوع رابطه دوطرفه است. بازیگران این بخش دارای رابطه ضعیفی با بخش مردمی و خصوصی هستند. این رابطه ضعیف به صورت یک طرفه از دو بخش ذکر شده به بخش عمومی است. بازیگران بخش خصوصی و مردمی دارای رابطه متوسط یک طرفه از بخش مردمی به بخش خصوصی هستیم.

در مدیریت سطح شهرستان تنها از چهار بخش دولتی، عمومی، غیررسمی و خصوصی بازیگرانی حضور دارند. بخش مردمی در این سطح حضور ندارد. اثرگذارترین این بازیگران، بازیگران بخش دولتی هستند. در مرتبه دوم اثرگذاری، بازیگران دو بخش عمومی و غیررسمی حضور دارند. بازیگران بخش خصوصی دارای کمترین اثر در مدیریت سطح شهرستان می‌باشند. از منظر روابط بین بازیگران، بازیگران بخش دولتی دارای رابطه قوی‌ای با بازیگران بخش غیر رسمی هستند. این رابطه از نوع دوطرفه است. بازیگران این بخش دارای رابطه میانی دوطرفه با بازیگران بخش عمومی، و دارای رابطه ضعیف با بازیگران بخش خصوصی هستند. این رابطه ضعیف از نوع یک طرفه از سوی بخش خصوصی به بخش دولتی است. بازیگران بخش عمومی دارای رابطه قوی دوطرفه با بازیگران بخش غیررسمی هستند. بازیگران این بخش دارای رابطه ضعیفی با بازیگران بخش خصوصی و از نوع رابطه یک‌طرفه از سوی بخش خصوصی هستند.

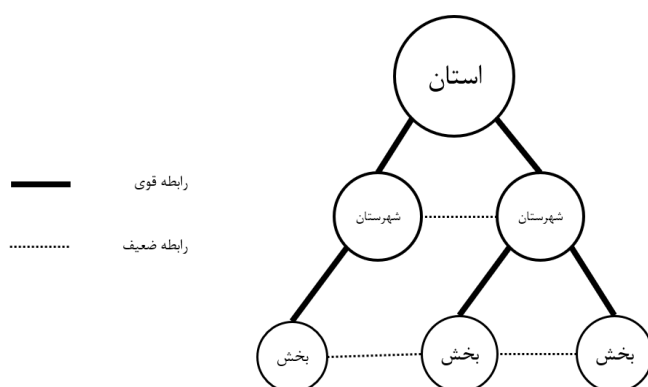
در سطح استان بازیگران از چهار بخش دولتی، خصوصی، مردمی، و غیر رسمی حاضر هستند. اثرگذارترین این بازیگران، بازیگران بخش دولتی است. بازیگران بخش عمومی و غیررسمی نیز در مرتبه دوم نقش‌های اثرگذار در مدیریت سطح استان قرار دارند. بازیگران بخش خصوصی دارای کمترین نقش در مدیریت استان می‌باشند. رابطه بازیگران بخش دولتی با دو بخش عمومی و غیررسمی قوی و از نوع رابطه دو طرفه است. رابطه بازیگران بخش دولتی با بخش خصوصی ضعیف و از نوع رابطه یک طرفه از بخش خصوصی به بخش دولتی است. رابطه بازیگران بخش عمومی با بخش غیررسمی نیز رابطه قوی‌ای است. این رابطه نیز از نوع دوطرفه می

تهران عمدتا به صورت یک‌طرفه می‌باشد. از منظر روابط عمودی، به طور کلی روابط قوی میان سطوح سه‌گانه مورد بررسی برقرار است. این روابط عمودی اما به صورت روابط سلسله‌مراتبی و در قالب وظایف قانونی تعریف شده سطوح می‌باشد.

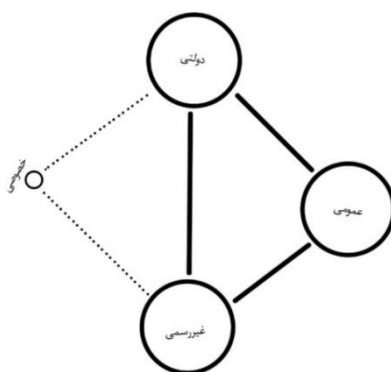
ساختار مدیریت سطح کشور

بازیگران حاضر در این بخش از چهار بخش دولتی، خصوصی، مردمی، و غیررسمی هستند. از میان این بازیگران، بازیگران سه بخش دولتی، عمومی، و غیررسمی بازیگران با نقش مهم و اثرگذار، و بخش خصوصی بازیگران با نقش بسیار کم هستند. رابطه سه بازیگر بخش دولتی، عمومی، و غیررسمی با یکدیگر از نوع رابطه دوطرفه و قوی است. بخش خصوصی با دو بخش دولتی و غیررسمی دارای رابطه ضعیف از نوع یک‌طرفه و با بخش عمومی تقریبا بدون رابطه است. عمده رابطه بخش خصوصی با بخش عمومی در سطح پایین دست خود بوده است.

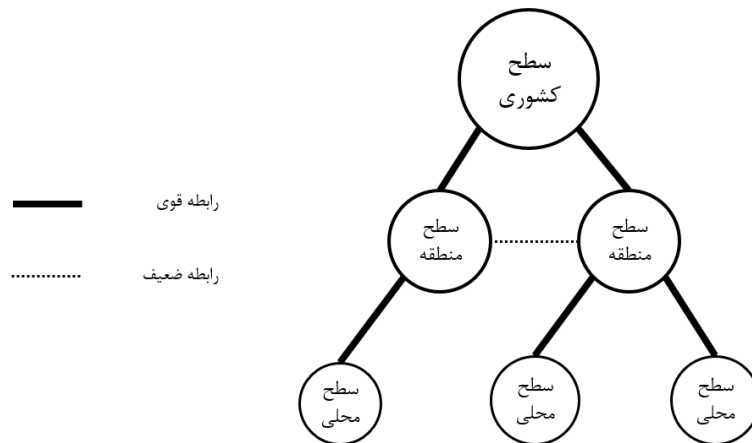
خصوصی هستند. به طور کلی بازیگر اصلی در هر سه سطح بخش دولتی است و هر چه از سطح بخش به سمت سطح استان حرکت کنیم به اهمیت نقش این بازیگر افزوده می‌گردد. پس از بخش دولتی، بخش‌های عمومی و غیررسمی از نقش‌های مهمی در پروسه مدیریت سطح منطقه‌ای برخوردارند. البته در سطح بخش از نقش بازیگران بخش عمومی کاسته شده اما به طور کلی این بازیگران نقش میانه‌ای در پروسه مدیریت منطقه ایفا می‌کنند. بازیگران بخش خصوصی در هر سه سطح از نقش کم‌رنگی در مدیریت منطقه برخوردارند. از منظر روابط افقی میان بازیگران هر یک از سه سطح مورد بررسی یعنی سطح بخش، سطح شهرستان، و سطح استان، این روابط در میان هم بخش‌ها و هم شهرستان‌ها با یکدیگر ضعیف است. رابطه افقی میان استان‌ها رابطه ای متوسط و در برخی موارد رابطه‌ای قوی است. این رابطه عمدتا از نوع دوطرفه و در موارد معدودی از نوع یک‌طرفه از استانی با اهمیت مدیریتی کمتر به استان با اهمیت مدیریتی بیشتر است. در این میان روابط با استان



شکل ۵: ساختار مدیریت سطح منطقه، بازیگران و روابط بین آن‌ها (نگارندگان، ۱۴۰۰)



شکل ۶: ساختار مدیریت سطح منطقه‌ای، بازیگران و روابط بین آن‌ها (نگارندگان، ۱۴۰۰)



شکل ۷: ساختار مدیریت ایران، بازیگران و روابط بین آنها (نگارندگان، ۱۴۰۰)

یکدیگر است. به طور کلی ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای در ایران مطابق شکل زیر است.

یافته‌های پژوهش

پس از شناسایی ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای ایران، به بررسی این ساختار از منظر حکمروایی چندسطحی در قالب ۶ شاخص آن می‌پردازیم.

شاخص فضای چند بازیگری

از منظر حضور بازیگران، در سطوح سه گانه، شاهد فضای چند بازیگری هستیم. در همه سطوح سه گانه مورد بررسی، بازیگران متعددی در پروسه مدیریت شهری و منطقه‌ای حضور دارند. این امر در صورتی است که تنها به حضور یا عدم حضور بازیگران در این سطوح توجه گردد. با در نظر گرفتن نقش این بازیگران در کنار حضور آن‌ها، در سطح محلی و منطقه‌ای شاهد فضای چندبازیگری با نقش اثرگذار بازیگران، اما در سطح کشوری شاهد فضایی چند بازیگری با نقش کم اثر بازیگران هستیم. در اینجا نکته قابل توجه فراهم بودن ظرفیت‌های تبدیل فضای حاضر مدیریت شهری و منطقه‌ای به فضایی چند بازیگری از نظر نقش بازیگران است. به طور کلی از منظر شاخص فضای چندبازیگری، فضای حاکم از نوع فضای چند بازیگری با حضور بازیگران متعدد و نقش موثر است.

ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای ایران

ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای در ایران از جمع‌بندی ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای در هر سه سطح بررسی شده بدست می‌آید. اثرگذارترین بازیگران در سطوح سه‌گانه بازیگران بخش دولتی، غیررسمی، و عمومی هستند. بازیگران بخش خصوصی و مردمی از کم‌اثرترین بازیگران در سطوح سه‌گانه بوده‌اند. بازیگران این دو بخش در حرکت از سطح محلی به سطح کشوری رفته رفته نقش خود در مدیریت شهری و منطقه‌ای را از دست داده‌اند. همچنین از نظر حضور بازیگران نیز، در سطح منطقه‌ای (از سطح بخش به بعد) و نیز در سطح کشوری بازیگران بخش مردمی حضور ندارند. در سایر سطوح شاهد حضور بازیگران از هر پنج بخش می‌باشیم. به طور کل نکته مورد توجه در مورد ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای در ایران، حضور بازیگران بخش‌های مختلف علی‌رغم نقش کم‌رنگ آن‌ها در سطوح مورد بررسی است. از منظر روابط عمودی، همانند سطح منطقه‌ای، روابط قوی‌ای میان سطوح سه‌گانه برقرار است. اما نکته مورد توجه در مورد این روابط نیز، سلسله‌مراتبی بودن آن‌هاست. روابط موجود بیشتر بر اساس وظایف قانونی بازیگران هر بخش نسبت به بازیگران سطوح بالاتر است. در مورد بخش غیر رسمی این روابط کمتر جنبه سلسله‌مراتبی داشته و عمدتاً به صورت دو طرفه میان سطوح مختلف است. در خصوص روابط افقی قبلاً در سطح منطقه‌ای توضیحاتی ارائه شده است. علاوه بر توضیحات ارائه شده، روابط افقی موجود بین سطوح منطقه‌ای بیشتر به صورت متوسط و دو طرفه است. این روابط غالباً همان روابط میان استان‌ها با

شاخص کثرت‌گرایی

در روستاها، شاهد روابط افقی متوسط تا قوی میان بازیگران، و در شهرها شاهد روابط افقی قوی تا ضعیف با غلبه روابط ضعیف‌تر می‌باشیم. بنابراین به طور کلی روابط افقی در سطح محلی، روابط افقی متوسط است. در سطح منطقه‌ای، در بخش‌ها شاهد روابط قوی تا ضعیف با غلبه روابط ضعیف‌تر، در شهرستان شاهد روابط قوی تا ضعیف، و در سطح استان شاهد دو نوع رابطه قوی و ضعیف هستیم. به طور کلی روابط افقی در سطح منطقه-ای از نوع روابط ضعیف افقی است. در سطح کشوری شاهد روابط قوی و ضعیف با غلبه روابط قوی‌تر هستیم. بنابراین به طور کلی روابط افقی مابین بازیگران در مدیریت شهری و منطقه‌ای ایران از روابط افقی متوسط

است. در مورد روابط عمودی، در میان هر سه بخش شاهد روابط عمودی قوی اما از نوع سلسله‌مراتبی و از بالا به پایین هستیم. بنا به تعاریف حکمروایی، روابط عمودی مابین بازیگران باید از نوع روابط غیر سلسله-مراتبی و از پایین به بالا در کنار روابط از بالا به پایین باشد. از سوی دیگر این روابط عمودی تنها از نوع روابط مستقیم، یعنی به طور مستقیم با سطح بالادست یا پایین دست خود است. روابط عمودی غیر مستقیم در هیچ سطحی دیده نمی‌شود. یکی از دلایل این امر نیز غلبه نظام سلسله‌مراتبی در میان بازیگران است. به طور کلی، در سطح محلی شاهد ساختار شبکه‌ای قوی، در سطح منطقه‌ای شاهد ساختار شبکه‌ای ضعیف، و در سطح کشوری شاهد ساختار شبکه‌ای ضعیف، و به طور کلی شاهد ساختار شبکه‌ای ضعیف می‌باشیم. با در نظر گرفتن قدرت و کیفیت روابط، این ساختار به طور قطع ساختاری غیر شبکه‌ای و از نوع سلسله‌مراتبی خواهد بود.

شاخص فضای مشارکتی

از منظر مشارکت بازیگران با یکدیگر، در سطح محلی، شاهد مشارکت بالا در روستاها، مشارکت متوسط در شهرها، در سطح منطقه‌ای شاهد مشارکت پایین در هر سه سطح، و در سطح کشوری شاهد مشارکت بالا میان سه بازیگران اصلی می‌باشیم. لازم به ذکر است مشارکت موجود در کلیه سطوح به جز سطح روستاها تنها در چارچوب وظایف قانونی بازیگران و عمدتاً به صورت یک طرفه است. به طور کلی از دیدگاه فضای مشارکتی در ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای ایران، شاهد مشارکت متوسط میان بازیگران هستیم.

در همه سطوح شاهد حضور بازیگران از حداقل چهاربخش بوده و فضای حاکم فضایی کثرت‌گرا است. در صورتی که علاوه بر حضور به نقش بازیگران در پروسه مدیریت شهری و منطقه‌ای نیز توجه گردد، در سطح محلی شاهد کثرت‌گرایی بسیار زیاد، اما در دو سطح منطقه‌ای و کشوری شاهد با کثرت‌گرایی پایین می‌باشیم. همانند شاخص اول، این نکته خود گویای ظرفیت موجود برای ارتقا کثرت‌گرایی در این دو سطح است. به طور کلی ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای در ایران از نوع نیمه کثرت‌گرا است.

شاخص محو بودن مرزها

به طور کلی در همه سطوح شاهد مرزهای قوی هستیم. در سطح محلی، در روستا، این مرزها کاملاً محو و در شهرها نیمه محو بوده اما هر چه به سمت سطح منطقه‌ای و کشوری حرکت کرده، این مرزها قوی‌تر می‌شوند. این امر نیز بر مشارکت میان این بازیگران تأثیر بسزایی دارد. به طور کلی ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای در ایران با مرزهای قوی میان بازیگران بوده و بنابراین در وضع موجود بر اساس انواع حکمروایی چندسطحی از نوع اول حکمروایی چندسطحی است.

شاخص فضای چند مرکزی قدرت

از منظر فضای چند مرکزی، در سطح محلی، در روستاها شاهد فضای چند مرکزی با تمرکز قدرت در سه بخش عمومی، مردمی، غیررسمی، و در شهرها شاهد فضایی تک مرکزی با مرکزیت بخش عمومی هستیم و بنابراین فضای سطح محلی از نوع تک مرکزی است. در سطح منطقه‌ای، در سطح بخش شاهد فضای تک مرکزی با مرکزیت در بخش دولتی و غیررسمی، در شهرستان شاهد فضای چند مرکزی با مرکزیت در سه بخش دولتی، غیر رسمی، و عمومی و در سطح استان شاهد فضای تک مرکزی با مرکزیت بخش دولتی هستیم، بنابراین فضای سطح منطقه‌ای نیز از نوع تک مرکزی است. در سطح کشوری شاهد فضای چند مرکزی با مرکزیت سه بخش دولتی، عمومی و غیررسمی می‌باشیم. به طور کلی ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای در ایران از نوع فضای تک مرکزی قدرت است.

شاخص فضای شبکه‌ای

فضای شبکه‌ای از دو نوع رابطه افقی و عمودی تشکیل می‌گردد. در مورد روابط افقی، در سطح محلی،

جدول ۴: وضعیت شاخص‌های شش گانه حکمروایی چندسطحی در ایران

وضعیت شاخص	مطلوب	تا حدی مطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب
فضای چند بازیگران	مطلوب	تا حدی مطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب
کثرت گرایی	مطلوب	تا حدی مطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب
محو بودن مرزها	مطلوب	تا حدی مطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب
فضای شبکه‌ای	مطلوب	تا حدی مطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب
فضای چند مرکزی قدرت	مطلوب	تا حدی مطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب
فضای مشارکتی	مطلوب	تا حدی مطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب
مجموع						

(نگارندگان، ۱۴۰۰)

جمع بندی شاخص‌های حکمروایی چندسطحی

به طور کلی و بر اساس بررسی‌های به عمل آمده از شاخص‌های حکمروایی چندسطحی در مدیریت شهری و منطقه‌ای ایران، در وضع موجود فاصله بسیار زیادی با حکمروایی چندسطحی وجود دارد. در جمع‌بندی شاخص‌های مورد بررسی، مدیریت شهری و منطقه‌ای ایران در سه شاخص (فضای شبکه‌ای، فضای چند مرکزی قدرت، و محو بودن مرزها) وضعیت نامطلوب، در دو شاخص (فضای مشارکتی و کثرت گرایی) وضعیت تا حدی مطلوب، و در یک شاخص وضعیت مطلوبی دارد.

نتیجه گیری

به طور کلی و بر اساس بررسی‌های به عمل آمده از شاخص‌های حکمروایی چندسطحی در مدیریت شهری و منطقه‌ای ایران، در وضع موجود فاصله بسیار زیادی با حکمروایی چندسطحی وجود دارد. در جمع‌بندی شاخص‌های مورد بررسی، مدیریت شهری و منطقه‌ای ایران در سه شاخص فضای شبکه‌ای، فضای چند مرکزی قدرت و محو بودن مرزها وضعیت نامطلوب، در دو شاخص فضای مشارکتی و کثرت گرایی وضعیت تا حدی مطلوب، و در شاخص فضای چند بازیگری وضعیت مطلوبی دارد. نکته حائز اهمیت در اینجا فراهم بودن بسترهای ارتقا این شاخص‌هاست.

به منظور بهبود ساختار حکمروایی ایران بر اساس نظریه حکمروایی چندسطحی، و باتوجه به وجود زمینه‌های ارتقا شاخص‌های مورد بررسی اقدامات زیر پیشنهاد می‌گردد:

- ۱) تشکیل سازمان‌های هماهنگ‌کننده و ناظر بر روند حکمروایی در هر سطح جهت نظارت بر هماهنگی میان بازیگران و حصول اطمینان از حضور کلیه بازیگران بخش‌های پنج‌گانه در روند حکمروایی
- ۲) افزودن سطح جدیدی به سطوح تقسیمات رسمی کشوری به عنوان سطح منطقه‌ای و انتصاب مسئولین رسمی برای اداره این سطح
- ۳) فراهم‌سازی پشتوانه‌های قانونی جهت تسهیل حضور بازیگران بخش‌های خصوصی و مردمی در پروسه در

مدیریت شهری و منطقه‌ای کشور در سطوح مختلف حکمروایی
 ۴) الزام قانونی بازیگران بخش دولتی و عمومی به برگزاری جلسات هماهنگی دوره‌ای میان کلیه بازیگران از هر پنج بخش عمومی، دولتی، مردمی، خصوصی، و غیر رسمی، جهت افزایش هماهنگی میان بازیگران مختلف و نیز ایجاد روابط دوطرفه بین آن‌ها
 ۵) ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز و نیز بسترهای قانونی مناسب جهت ورود بازیگران بخش غیررسمی به روند حکمروایی کشور و فعال‌سازی هرچه بیشتر آن‌ها به منظور بهره‌گیری از توان آن‌ها در روند حکمروایی.

منابع و مأخذ

ایمانی جاجرمی، حسین، و عبداللهی، مجید (۱۳۸۸) بررسی تحولات مدیریت روستایی در ایران از مشروطیت تا زمان حاضر. *فصلنامه راهبرد*، ۱۸(۵۲)، ۲۲۱-۲۴۴.
 برک‌پور، ناصر، و اسدی، ایرج (۱۳۷۸). *نظریه‌های مدیریت و حکمروایی شهری* (طرح پژوهشی)، دانشکده معماری و شهرسازی، تهران، ایران.
 برک‌پور، ناصر، و اسدی، ایرج (۱۳۹۰). مدیریت و حکمروایی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
 رجبی، مرضیه، و خستو، مریم (۱۳۹۸). تحقق حکمروایی خوب شهری با تاکید بر مفهوم عدالت فضایی و اجتماعی؛ نمونه موردی: شهر رشت. مدیریت شهری، ۵۴، ۱۹۷-۲۱۴.
 رضائی، میثم، و شمس‌الدینی، علی (۱۳۹۸). تحلیلی بر رابطه حکمروایی خوب شهری و عدالت اجتماعی در فضاهای شهری؛ مورد مطالعه: شهر فردوسیه - شهرستان شهریار. *فصلنامه آمایش محیط*، ۴۵، ۲۵-۴۸.
 صرافی، مظفر، و نجاتی، ناصر (۱۳۹۶). حکمروایی چندسطحی منطقه کلان‌شهری در راستای رویکرد نومنطقه‌گرایی؛ مطالعه موردی: منطقه کلان‌شهری مشهد. *هویت شهر*، ۱۵(۳۱)، ۳۱-۴۴.
 فرزلسفی، محمدتقی، قورچی، مرتضی، و معاش ثانی، صبا (۱۳۹۴). گذار از کلان‌شهرها به شهرهای جهانی،

- the global financial crisis. *Asia Europe Journal*, 9, 237-254.
- Jiren, T. S., Bergsten, A., Dorresteijn, I., Collier, N. F., Leventon, J., & Fischer, J. (2018) Integrating food security and biodiversity governance: A multi-level social network analysis in Ethiopia. *Land Use Policy*, 78, 420-429.
- Jordan, A. (1998) The politics of multilevel environmental governance: Subsidiarity and environmental policy in the European Union. *Environment and Planning A*, 7(32), 1307-1324.
- Jordan, A. (1999) Editorial introduction: the construction of a multilevel environmental governance system. *Environment and Planning C, Government and Policy* 17(1), 1-17.
- Kohler-Koch, B. and Eising, R. (1999) *The Transformation of Governance in the European Union*. London: Routledge.
- Lo, K., & Broto, V. C. (2019) Co-benefits, contradictions, and multi-level governance of low-carbon experimentation: Leveraging solar energy for sustainable development in China. *Global Environmental Change*, 59, 101993.
- Marks, G (1993). Structural Policy and Multi-level Governance in the EC. in A. Cafruny and G. Rosenthal (eds), *The State of the European Community: The Maastricht Debate and Beyond*, Boulder, CO: Lynne Rienner, 391-411.
- Marks, G. (1992). Structural policy in the European community. *In Sbragia 1992*, 191-225.
- Marks, G., & Hooghe, L. (2003) Unravelling the central state, but how? Types of multi-level governance. *American Political Science Review* 97(2), 233-43.
- Marks, G., Hooghe, L., & Blank, K. (1996) European Integration from the 1980s: State-Centric vs Multi-level Governance. *Journal of Common Market Studies*, 34(3), 341-378.
- Marks, G., Nielsen, L., Ray, F., & Salk J.E. (1996) Competencies, cracks and conflicts: regional mobilization in the European Union. *Comparative Political Studies* 29(2), 164-192.
- McCulloch, N., & Malesky, E. (2011). Does Better local governance improve district growth performance in Indonesia. *IDS Working Paper*, 369, 1-48.
- Melica, G., Bertoldi, P., Kona, A., Iancu, A., Rivas, S., & Zancanella, P. (2018) Multilevel governance of sustainable energy policies: The role of regions and provinces to support the participation of small local authorities in the Covenant of Mayors. *Sustainable Cities and Society*, 39, 729-739.
- مقتضیات محیطی جهان‌شهری و زیستمان حکمروایی خوب. فصلنامه سیاست جهانی، ۴ (۴)، ۷۳-۱۰۱.
- لاله‌پور، منیژه (۱۳۸۶) حکمروایی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه. جستارهای شهرسازی، ۱۹، ۶۰-۷۱.
- یابنگ غراوی، محمد (۱۳۹۱). نگاهی به مفهوم حکمروایی شهری: هدفها، مدل‌ها و شاخص‌های آن. *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۲۸۹، ۱۹۸-۲۰۵.
- Amat, F., Alam, Q., & Coghill, K. (2009). Integrated Governance: A pre-requisite for sustainable market-oriented development in Bangladesh. *International Journal of Public Administration*, 32(10), 829-851.
- Audouin, M., & Finger, M. (2018) The development of Mobility-as-a-Service in the Helsinki metropolitan area: A multi-level governance analysis. *Research in Transportation Business & Management*, 27, 24-35.
- Beisheim, M., Campe, S. & Schaferhoff, M. (2010) *Global governance through public-private partnerships*. Handbook on Multi-level Governance, Cheltenham: Edward Elgar, 370-382.
- Benz, A. and Eberlein, B. (1999) The Europeanization of regional policies: patterns of multi-level governance. *Journal of European Public Policy* 2(6), 329-348.
- Boesvedlt, N.F., Van Montfort, A.J.G.M., & Boutellier, J.C.J. (2017). The Efficacy of Local Governance Arrangements in Relation to Homelessness. A Comparison of Copenhagen, Glasgow, and Amsterdam. *Public Organization Review*, 18 (3), 345-360.
- Chapple, K., & Montero, S. (2016). From learning to fragile governance: Regional economic development in rural Peru. *Journal of Rural Studies*, 44, 143-152.
- Conzelmann, T. (1995) Networking and the politics of EU regional policy. Lessons from North-Rhine Westphalia, Nord-Pas de Calais and the North West of England. *Regional and Federal Studies* 5(2), 134-172.
- Dressel, S., Johansson, M., Ericsson, G., & Sandstrom, C. (2020) Perceived adaptive capacity within a multi-level governance setting: The role of bonding, bridging, and linking social capital. *Environmental Science & Policy*, 104, 88-97.
- Gupta, J., & Pahl-Wostl, C. (2013) Global Water Governance in the Context of Global and Multilevel Governance: Its Need, Form, and Challenges. *Ecology and Society*, 4(18), 53-64.
- Hamilton-Hart, N. (2012) Regional and multi-level governance: East Asian leadership after

- Waheduzzaman, W., & Van Gramberg, B. (2017). Bureaucratic readiness in managing local level participatory governance: A developing country context. *Australian Journal of Public Administration*, 0(0), 1-22.
- Westman, L.K., Broto, V.C., & Huang, P. (2019) Revisiting multi-level governance theory: Politics and innovations in the urban climate transition in Rizhao, China. *Political Geography*, 70, 14-23.
- Ye, L., & Bjorner, E. (2018) Linking city branding to multi-level urban governance in Chinese mega-cities: A case study of Guangzhou. *Cities*, 80, 29-37.
- Yin, Y., Olsson, A. R., & Hakansson, M. (2016). The role of local governance and environmental policy integration in Swedish and Chinese eco-city development. *Journal of Cleaner Production*, 134, 78-86.
- Zen, S. I., Al-Amin, A. Q., & Doberstein, B. (2019) Mainstreaming climate adaptation and mitigation policy: Towards multi-level climate governance in Melaka, Malaysia. *Urban Climate*, 30, 100501.
- Nurse, A. (2015). Bridging the gap? The role of regional governance in delivering effective local public services: Evidence from England. *Planning Practice & Research*, 30(1), 69-82.
- O'Flynn, J. (2007). From new public management to public value: Paradigmatic change and managerial implications. *Australian Journal of Public Administration*, 66(3), 353-366.
- Okereke, C., Bulkeley, H., & Schroeder, H. (2009). Conceptualizing climate governance beyond the international regime. *Global Environmental Politics*, 1(9), 58-78.
- Piattoni, S. (2009) Multi-level governance: a historical and conceptual analysis. *European Integration*, 31(2), 163-180.
- Ruffin, N. (2020) EU science diplomacy in a contested space of multi-level governance: Ambitions, constraints and options for action. *Research Policy*, 49, 103842.
- Sabel, C., and J. Zeitlin. 2007. Learning from difference: the new architecture of experimentalist governance in the European Union. *European Law Journal*, 14(3), 1-69.
- Schmitter, P. & Kim, S. (2005) The experience of European integration and the potential for Northeast Asian integration. *East-West Center*, 10, 1-23.
- Schreurs, M. (2010) *Multi-level governance the ASEAN way. Handbook on Multi-level Governance*, Cheltenham: Edward Elgar, 308-320.
- Skelcher, C. (2005) Jurisdictional integrity, polycentrism, and the design of democratic governance. *Governance* 18(1), 89-110.
- Speer, J. (2012). Participatory governance reform: A good strategy for increasing government responsiveness and improving public service? *World Development*, 40(12), 2379-2398.
- Stephenson, P. (2013) Twenty years of multi-level governance: where does it come from? What is it? Where is it going? *Journal of European Public Policy* 20(6), 817-837.
- Sugiawan, Y., & Managi, S. (2019) Public acceptance of nuclear power plants in Indonesia: Portraying the role of a multilevel governance system. *Energy Strategy Reviews*, 26, 100427.
- Thielemann, E. (1999) Institutional limits of a "Europe with the Regions": EC state aid control meets German federalism. *Journal of European Public Policy* (6)3, 399-418.
- Veeneman, W., & Mulley, C. (2018) Multi-level governance in public transport: Governmental layering and its influence on public transport service solutions. *Research in Transportation Economics*, 69, 430-437.

یادداشت‌ها

¹ multi-level governance

² actor-center

³ multi-actor

⁴ pluralistic

⁵ multi-level

⁶ SID

⁷ Noormags

⁸ آخرین تاریخ جستجو برای تکمیل پایگاه داده‌ای در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۱۹

بوده است

⁹ منظور از سایر، مقالات بدست آمده از مطالعه منابع مقالات استخراج

شده، کتب حکمروایی، و قوانین مربوطه است.